



مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان

مدرسه علمیه زهراى اطهر (عليها السلام)

شهرستان مشهد

مقاله سطح دو (کارشناسی)

حسابرسی در قیامت از منظر آیات و روایات و آثار اعتقاد به آن

استاد راهنما:

سرکار خانم طیب زاده

استاد داور:

سرکار خانم تقی پور

پژوهشگر:

زهرا دهقانی

پاییز ۱۳۹۷

الله
الرحمن الرحيم

چکیده مقاله:

ناگفته پیداست که حسابرسی بخشی مهم در زندگی همگان است. چرا که داشتن حساب و کتاب در زمینه های مختلف مانع ایجاد سردرگمی و نیز از دست دادن زمان می شود. حال که این موضوع در زندگی دنیایی اهمیت زیادی دارد، پر واضح است که برای افرادی که اعتقاد به سرای آخرت دارند بسیار ویژه تر می نماید و باید برای زندگی ابدی در آن سرا، حتما حساب و کتابی وجود داشته باشد. در قرآن و روایات بسیار به این مسئله اشاره شده که نشان از اهمیت ویژه ی آن می باشد. به طوری که یکی از اسامی روز قیامت «یوم الحساب» است. بزرگان و علما نیز به تفصیل در این باره بحث نموده اند و یادآور اهمیت این موضوع شده اند. ما در این تحقیق از قرآن و کتب تفسیری و روایی بهره جسته ایم. پس از مطالعه و بررسی بسیار دریافتیم که در دین مبین اسلام موضوع حسابرسی در قیامت بسیار مورد تاکید قرار گرفته است و زمان آن نیز نزدیک می باشد و پیوسته انسان را تشویق می کند که در همین دنیا برای حسابرسی در آن سرا آماده شود تا حسابرسی آسانی را پیش رو داشته باشد. از جمله مواردی که باعث آسان شدن حسابرسی می شود می توان به محاسبه ی نفس در دنیا، حسن خلق و صله ی رحم اشاره کرد. باید توجه داشت که هدف از محاسبه ی اعمال بندگان آگاه شدن خداوند بر استحقاق بندگان نسبت به ثواب و عقاب، از طریق آگاهی بر اعمال خوب و بد آن ها نیست، و این امری واضح است (زیرا خداوند به همه چیز آگاه است)، بلکه غرض از آن، احتجاج بر گناهکاران و آشکار کردن عدل الهی بر بندگان در مقام جزای اعمال است.

کلید واژه ها: یوم الحساب، حسابرسی، قیامت، محاسبه ی نفس.

مقدمه:

دنیا گذرگاهی است برای رسیدن به مقصدی والا به نام سرای آخرت. در این دنیا همه چیز حول حساب و کتاب می چرخد، به گونه ای که حتی برگ درختی نمی افتد و قطره ی بارانی بر زمین نمی ریزد مگر این که حساب آن در دست خالق یکتا می باشد. انسان مدبر نیز برای کوچک ترین کارهای روز مره ی خود دارای محاسبه و برنامه ریزی است. آن چه که واضح است این است که خدای متعال انسان را پس از چندی زندگی در این دنیا بدون حساب و کتاب به حال خود رها نمی کند و از او درباره ی کارهایی که در این سرا در طول عمر خود انجام داده است سؤال و مؤاخذه می کند، اما این سؤال و حسابرسی چگونه خواهد بود؟ آیا همانند بازپرسی ها در این دنیا انجام می شود؟ آیا شاهد و گواهی در این دادگاه همچون دادگاه های دنیایی وجود دارد؟ اگر وجود دارد مشخصات آن ها چیست؟ وضعیت حسابرسی افراد مختلف در این دادگاه چگونه است؟ و آیا اعتقاد داشتن به حسابرسی در یوم الحساب که یکی از نام های قیامت است آثاری در فرد و اجتماع دارد؟

یکی از اسامی روز قیامت «یوم الحساب» است. قرآن درخواست حضرت ابراهیم (ع) از خداوند متعال را چنین بیان می کند: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ». بنابراین، مقصود از وقوع حساب در روز رستاخیز آن است که در آن روز نتایج اعمال حقیقتاً و به تمام معنی ظاهر می گردند. هدف از محاسبه ی اعمال بندگان آگاه شدن خداوند بر استحقاق بندگان نسبت به ثواب و عقاب، از طریق آگاهی بر اعمال خوب و بد آن ها نیست، و این امری واضح است (زیرا خداوند به همه چیز آگاه است)، بلکه غرض از آن، احتجاج بر گناهکاران و آشکار کردن عدل الهی بر بندگان در مقام جزای اعمال است. «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ»: به یقین بازگشت همه ی آنان به سوی ماست. مسلماً حسابشان نیز با ماست!

حسابرسی افراد مختلف:

بعضی از مردمان بدون حساب داخل بهشت می شوند، اما همه ی مردمان مورد سؤال واقع می شوند؛ ، مقصود از حسابرسی در این جا رسیدگی به گفتار، رفتار و کردار و حتی نیات، تصمیمات و ملکات درونی بندگان است. از مجموع روایات و حتی از اشاراتی که در بعضی از آیات قرآن آمده، به خوبی استفاده می شود که حساب روز قیامت فوق العاده دقیق است. از مجموع این مدارک اسلامی استفاده می شود که مردم در مورد حساب الهی کاملاً با هم متفاوتند. گروهی نسبت به حسابشان بسیار سخت گیری می شود. آن ها کسانی اند که در دنیا در حساب بندگان خدا سخت می گرفتند و یا کج خلق و ظالم بودند. گروه دیگری حسابشان بسیار

آسان است به دلیل اعمال نیک و خوش رفتاری و آسان گرفتن بر بندگان خدا و این که کم تر آلوده به مال و مقام دنیا بوده اند. اما گروه سومی که بدون حساب وارد بهشت می شوند چنان که در حدیثی از پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) می خوانیم که در تقسیم گروه های مردم در قیامت فرمودند: «و منهم الذین یدخلون الجنة بغير حساب، لأنهم لم یلبسوا من امر الدنيا بشیء، و انما الحساب هناک علی من تلبس بها هاهنا»: کسانی هستند که بدون حساب داخل بهشت می شوند زیرا آلوده به چیزی از امور دنیا نبودند و حساب در آن جا مخصوص کسانی است که در این جا آلوده به امور دنیا باشند. در مقابل کسانی نیز هستند که بدون حساب وارد دوزخ می شوند چنان که در حدیث پیامبر (صلوات الله علیه) می خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ يُحَاسِبُ كُلَّ خَلْقٍ إِلَّا مَنْ أَشْرَكَ بِاللَّهِ فَإِنَّهُ لَا يُحَاسَبُ وَ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ»: خدای متعال حساب همه ی مردم را رسیدگی می کند مگر کسی که برای خدا همتایی قرار دهد بدون حساب وارد آتش خواهد شد.. مسئله ی دقیق حسابرسی خداوند به گونه ای است که اگر ذره ای از اعمال انسان در دل سنگی یا گوشه ی آسمان ها و زمین باشد خداوند آن را حاضر می کند. باتوجه به عظمت آسمان ها و وسعت شگفت انگیز آن ها به اهمیت حسابرسی خداوند بیش تر پی می بریم.

کاربردهای حساب در قرآن:

– شماره:

خداوند متعال می فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ نُوراً وَ قَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَ الْحِسَابَ». راغب معتقد است حساب به کار بردن عدد است و آیه ی فوق به همین معناست. بر این اساس در تفاسیر آمده است: مقصود از «والحساب» شماره ی اوقات و فصول سال ها و روز ها و ساعات آن است.

– پاداش و جزای قیامت:

خداوند متعال درباره ی یکی از صفات طغیان گران می فرماید: «إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَاباً». سیاق آیات بیان گر مجازات آنان در قیامت است. چنان که در آیات پیشین آمده است جهنم کمین گاه و محل بازگشتی برای طغیان گران است و آنان مدت های طولانی در آن می مانند. خداوند در ادامه می فرماید: «این مجازاتی موافق و مناسب اعمالشان است؛ زیرا آنان امیدی به دادرسی قیامت نداشتند». بر این اساس «لَا يَرْجُونَ حِسَاباً» نیز مربوط به حسابرسی قیامت است چنان که مفسرین همانند علامه طباطبایی و طبری بدان تصریح کرده اند.

– کافی و بسیار:

خداوند در آیه ی ۳۶ سوره ی نبا درباره ی پاداش پرهیزکاران می فرماید: «جَزَاءٌ مِّن رَّبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا». حساب در این آیه چنان که در لغت و سخن برخی مفسران آمده به معنای کفایت است. جوهری یکی از معانی حساب را کفایت دانسته است. زمخشری و طبرسی ذیل این آیه می نویسند: حساب به معنای بسیار کفایت کننده است و هنگامی که گفته می شود «احسبت فلانا» یعنی به او آن قدر عطا کردم که گفت مرا بس است.

– استعاره برای داوری و رسیدگی اعمال:

خداوند متعال در هشت آیه از قرآن کریم با صفت سریع الحساب توصیف شده است، همانند «وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ». در روایتی آمده است «يَحَسِبُ الْخَلَائِقُ كُلَّهُمْ فِي مَقْدَارِ لَمَحِ الْبَصَرِ»: خداوند حساب همه ی بندگان را در یک چشم به هم زدن می رسد. از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده است: «أَنَّهُ يَحَسِبُ الْخَلْقَ دَفْعَةً، كَمَا يَرْزُقُهُمْ دَفْعَةً»: او به حساب خلاق یکباره رسیدگی می کند، چنان که یکباره به همه ی آنان روزی می رساند. در قرآن در موارد دیگری نیز مسئله ی وسعت بی کران علم خدا و حساب گری او عنوان شده است از جمله در آیه ی ۳ سوره ی سبا می خوانیم «لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ»: به اندازه ی سنگینی ذره ای در آسمان ها و زمین از علم او دور نخواهد ماند و نه کوچک تر از آن و نه بزرگ تر، مگر این که در کتابی آشکار (لوح محفوظ) ثبت است.

حسابرس در قیامت:

ظاهر بلکه صریح برخی از آیات قرآن این است که در قیامت، خداوند خود به حساب بندگان رسیدگی می کند چنان که می فرماید: «فَأَنذَرْتُكَ الْبَلَاءَ وَ عَلَيْنَا الْحِسَابُ»: تو عهده دار رسالت و ابلاغ احکام الهی به مردم هستی و رسیدگی به حساب آنان به عهده ی ماست. ولی از برخی آیات قرآن چنین استفاده می شود که در سرای دیگر هر انسانی خود به حساب اعمال خود می رسد و نیاز به حسابرس دیگری غیر از نفس انسانی نیست چنان که می فرماید: «أَقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا»: (به او گفته می شود) کتاب (اعمال قلبی و بدنی) خود را بخوان، تو خود کافی هستی که امروز حسابرس نفس خود باشی.

مفاد این آیه با آیات گذشته منافاتی ندارد، زیرا مفاد این آیه این است که در سرای دیگر همه ی اعمال انسان به صورت کتابی در برابر دیدگان او نمودار می گردد و انسان واقعیت کارهایی را که در دنیا انجام داده است، مشاهده می کند و چون واقعیت اعمال در برابر دیدگان او نمودار می گردند، جای هیچ گونه انکاری برای او باقی نمی ماند و در حقیقت خود بر کرده های خود گواهی می دهد.

عوامل آسانی حسابرسی در قیامت:

– محاسبه ی نفس در دنیا:

در روایات بر محاسبه ی نفس تاکید بسیاری شده است و یکی از اصول اصلی ریاضت و نیز سیر و سلوک در عرفان مسئله ی محاسبه و مراقبه ی نفس است. امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «الْحِسَابُ قَبْلَ الْعِقَابِ الثَّوَابُ بَعْدَ الْحِسَابِ»: حسابرسی پیش از کیفر است؛ پاداش بعد از حسابرسی. در حدیثی دیگر درباره ی چگونگی محاسبه نفس می فرمایند: «حَاسِبْ نَفْسَكَ لِنَفْسِكَ فَإِنَّ غَيْرَهَا مِنَ الْأَنْفُسِ لَهَا حَسِيبٌ غَيْرُكَ»: تو به حساب نفس خودت رسیدگی کن؛ زیرا دیگران را حسابرسی جز تو هست. امام علی (علیه السلام) در پاسخ به سؤال از نحوه محاسبه نفس فرمود چون صبح را به شب رساند، به سراغ نفس خویش رود و بگوید: ای نفس! امروز بر تو گذشت و هرگز به سوی تو بر نمی گردد، خداوند از تو خواهد پرسید که آن را چگونه سپری کردی؟ در آن روز چه کردی؟ آیا خدا را یاد کردی؟ یا سپاس گفתי؟ آیا حق برادر مومن را گذاردی؟ آیا بار غمی از دل او برداشتی؟ آیا در نبود او هوای زن و خانواده اش را داشتی؟ آیا وقتی مرد به بازماندگان او سر زدی؟ آیا با استفاده از مقام و موقعیت از غیبت برادر مومنی جلوگیری کردی؟ آیا مسلمانی را یاری رساندی؟ چه کاری برای او کردی؟ آن گاه کار هایی که کرده است بر می شمارد؛ اگر کار خیری از وی سر زده باشد، خدا را سپاس گوید و به شکرانه توفیقی که به وی عنایت کرده خدارا به بزرگی یاد کند، و اگر دید گناهی یا تقصیری از او سر زده است، از خداوند عزوجل آمرزش بخواهد و تصمیم بگیرد که دیگر آن را تکرار نکند.

– حسن خلق:

یکی از عوامل مهم آسانی حسابرسی در قیامت حسن خلق است که روایات بسیاری بر خوش اخلاقی تاکید کرده اند، از جمله: قال امیرالمومنین (علیه السلام): «حَسَنٌ خُلُقَكَ يُخَفِّفِ اللَّهُ حِسَابَكَ»: اخلاق خود را نیکو گردان تا خداوند حساب را بر شما تخفیف دهد.

– صله ی رحم:

یکی دیگر از عوامل آسانی حسابرسی در قیامت صله ی رحم می باشد. قال الصادق (علیه السلام): «صِلَةُ الرَّحِمِ تُهَوِّنُ الْحِسَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»: به درستی که صله ی رحم مایه ی آسانی حساب می گردد.

نزدیک شدن حساب و قیامت:

۱- بعضی گفته اند منظور آن است که باقی مانده ی دنیا در برابر آن چه گذشته کم است و به همین دلیل رستاخیز نزدیک خواهد بود (نزدیکی نسبی). به خصوص این که از پیامبر اسلام (صلوات الله علیه) نقل شده که فرمود: «بُعِثْتُ أَنَا وَ السَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ!»: بعثت من و روز قیامت مانند این دو است! (اشاره به انگشت سبابه و وسطی که در کنار هم قرار دارند، فرمود).

۲- بعضی گفته اند این تعبیر به خاطر بودن رستاخیز است، همان گونه که در ضرب المثل معروف عرب می خوانیم: کل ما هو آت قريب (هرچه قطعاً می آید نزدیک است). در عین حال این دو تفسیر منافاتی با هم ندارند و ممکن است آیه اشاره به هر دو نکته باشد.

۳- بعضی از مفسران مانند قرطبی این احتمال را نیز داده اند که حساب در این جا اشاره به قیامت صغری یعنی مرگ است زیرا به هنگام مرگ نیز قسمتی از محاسبه و جزای اعمال به انسان می رسد. ولی ظاهر آیه فوق ناظر به قیامت کبری است.

موارد حسابرسی:

با توجه به آیات قرآن در یوم الحساب از تمام افراد بشر در تمام حالات و از تمام کارهایی که انجام داده اند سؤال می شود. برای نمونه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

سؤال درباره ی قرآن، سؤال از قتل بی گناه، سؤال از اعتقادات باطل، سؤال از کذب، سؤال از صدق، سوال از نعمات.

اوصاف حسابرسی:

در آیاتی از قرآن محاسبه ی خداوند متعال با اوصاف سریع، شدید و یسیر توصیف شده است اما در برخی آیات نیز تعبیر به «غیر حساب» آمده است.

سریع الحساب:

از اسماء حسنی است و هشت بار در قرآن مجید آمده است. عبارت «سریع الحساب» در این آیات اشاره به این است که هم خداوند با سرعت به حساب بندگان می رسد و هم پاداش ها و کیفر هایی را که وعده داده به زودی به آن ها می دهد. همه ی این ها نقد و سریع است و نسیه و توام با تاخیر نیست. در حدیثی می خوانیم خداوند حساب تمام خلایق را در یک چشم به هم زدن

رسیدگی می کند. «یحاسب الخلاق کلهم فی مقدار لمح البصر»: این به خاطر آن است که علم خداوند همانند مخلوقات نیست که محدودیت آن سبب شود مطلبی او را از مطلبی دیگر غافل سازد.

شدید الحساب:

به معنی حساب دقیق و توأم با سخت گیری است یا به معنی مجازات شدید است که نتیجه ی حساب دقیق می باشد.

یسیر الحساب:

یعنی مناقشه در حساب او نشود و حسنات و ثواب های او را با گناهانش رو به رو نموده و می سنجند یا به توبه یا به عفو و بخشش و بعضی گفته اند حساب آسان، تجاوز و گذشت از گناهان و ثواب دادن بر حسنات است و کسی که در حسابش مناقشه و خرده گیری شود، عذاب خواهد شد.

بغیر حساب :

«اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»: و خداوند هر کس را بخواهد بی شمار روزی می دهد. این تعبیر شش بار در قرآن مجید تکرار شده است.

آثار حسابرسی:

برای بیان اهمیت و جایگاه حسابرسی در زندگی و باور به حسابرسی اخروی، بهترین شیوه آن است که آثار و کارکرد های آن شناخته شود. از این رو به بررسی آثار حسابرسی در زندگی انسان از دیدگاه قرآن می پردازیم.

این آثار به دو دسته ی فردی و اجتماعی تقسیم می شود. از جمله آثار فردی عبارت اند از: قرار گرفتن در اصحاب یمین، تقوی، زندگی دلخواه، درجات عالی بهشت، تعهد، پایبندی به توحید، بهره مندی از نعمت های بهشتی، رعایت حقوق دیگران، سرور در قیامت، خوف از خدا و اصلاح خود و از جمله آثار اجتماعی می توان به زمینه ساز بودن امر به معروف و نهی از منکر، مانع از ضرر به دیگران، مانع دشنام، اجتناب از کتمان شهادت و اجتناب از تکاثر اشاره کرد.

گواهان در حسابرسی قیامت:

معمولا در دادگاه ها شاهدان عینی به سود یا زیان طرف گواهی می دهند، و پس از طی مراحل، حکم دادگاه صادر می شود. بر این اساس نیز در روز رستاخیز شاهدانی بر جرائم اعمال انسان های گناه کار گواهی می دهند. طبق آیات قرآن خداوند در روز قیامت برای حسابرسی شاهدانی را احضار می کند. قرآن روز رستاخیز را محکمه ی الهی و روزی که شاهدان به پا می خیزند،

معرفی کرده است چنان که می فرماید: «يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» و در آیه ی دیگر مضمون شهادت آنان را بیان کرده و می فرماید: «يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَ يَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ»: مجرمان بر پروردگار خود عرضه می شوند و گواهان می گویند: آنان کسانی اند که به پروردگار خود دروغ گفتند.

گواهان روز رستاخیز به دو گروه تقسیم می شوند:

۱- شاهدان عینی خارجی:

خدا و پیامبران و پیامبر اسلام و افرادی از امت و فرشتگان و زمین، قرآن و نامه ی اعمال نمونه های شاهدان عینی هستند که در قرآن و روایات به تفصیل توضیح داده شده اند.

۲- گواهان داخلی:

مقصود از شاهدان داخلی، گواهیانی است که جزء بدن انسان بوده یا به گونه ای به او مرتبط باشند که می توان از اعضای بدن مجرم و پوست بدن با عنوان گواهان داخلی یاد کرد.

به هر حال یوم الحساب، روز رسوایی بزرگ است، روزی است که تمام وجود انسان به سخن درمی آید، تمامی اسرار او را فاش می کنند، که تمام گنهکاران را در وحشت عمیقی فرو می برد. این جاست که رو به پوست های تن خود کرده و فریاد می زنند: چرا شما بر ضد ما گواهی دادید؟! ما که سالیان دراز شما را نوازش دادیم و از سرما و گرما حفظ کردیم، شست و شو و نظافت و پذیرایی نمودیم، آن ها در پاسخ می گویند: همان خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده ما را به سخن درآورده است. خداوند ماموریت افشاگری را در این روز و این دادگاه بزرگ به ما داده و ما چاره ای جز اطاعت فرمان او نداریم، آری همان کس که قدرت نطق را در موجودات ناطق دیگر آفریده در ما نیز این توانایی را قرار داده است.

نتیجه گیری:

انسان های خردمند، مردمانی دقیق و حسابگر هستند و برای کوچک ترین کارها و کم ترین اوقات زندگی خویش برنامه ها و هدف های مشخص کوتاه مدت و بلند مدت دارند. انسان مؤمن از آن جایی که انسانی خردمند است و افزون بر این که بر تقدیر و سرنوشتی که خداوند برای او رقم زده توجه دارد، انسانی مدبر و اهل تدبیر می باشد و این تدبیرگرایی، وی را به مراقبه و محاسبه ی اعمال می کشاند. او علاوه بر تدبیر امور دنیوی به حسابرسی در آخرت هم توجه دارد و چه بسا این توجه بسیار بیش تر و عمیق تر می باشد تا در روز قیامت حسابرسی آسانی داشته باشد.

بعد از بررسی موضوع حسابرسی در قیامت درمی یابیم که یکی از مراحل مهم و حتمی در قیامت، مرحله ی حسابرسی بوده لذا قیامت را «یوم الحساب» نامیده اند و حقیقت این است که حساب اعمال چیزی جز ترتب آثار و نتایج اعمال به آن نیست و این حساب در دنیا جریان دارد ولی در قیامت با از بین رفتن حجاب ها، ظهور کامل می یابد. حسابرسی در قیامت از همه ی افراد، از همه ی اعمال و حالات انسان از قرآن، اعتقادات باطل و ... انجام می گیرد. اعتقاد به حسابرسی در قیامت آثار زیاد فردی مثل تقوی، خوف از خداوند، قرار گرفتن در اصحاب یمین، برخورداری از نعمت های بهشتی، هدایت و ... و همین طور آثار اجتماعی مثل اجتناب از تکاثر، مانع از ضرر رساندن به دیگران و ... دارد. در این حسابرسی پیامبران، فرشتگان، قرآن و ... گواه و شاهد می باشند. هدف از محاسبه ی اعمال بندگان آگاه شدن خداوند بر استحقاق بندگان نسبت به ثواب و عقاب، از طریق آگاهی بر اعمال خوب و بد آن ها نیست، و این امری واضح است (زیرا خداوند به همه چیز آگاه است)، بلکه غرض از آن، احتجاج بر گناهکاران و آشکار کردن عدل الهی بر بندگان در مقام جزای اعمال است.

کتابنامه:

✽قرآن کریم، مترجم: ناصر مکارم شیرازی، چاپ دوم، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳.

۱- تمیمی آمدی، عبد الواحد، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، محقق: مصطفی درایتی، قم: التابع للکتاب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۶.

۲- ...، ...، *غرر الحکم و درر الکلم*، چاپ دوم، قم: دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.

۳- حویزی، عبد علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، قم: دار التفسیر، ۱۳۸۲، ج ۱.

۴- زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، مصحح: حسین احمد مصطفی، چاپ سوم، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲.

۵- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، ۱۳۷۴، ج ۲۰.

۶- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: دار المعرفه، ۱۳۷۲، ج ۲ و ۱۰.

۷- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق، ج ۷ و ۱۵.

۸- فیض کاشانی، ملا محسن، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر، ۱۳۷۳، ج ۲.

۹- کلینی رازی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دار الکتاب الاسلامیه، ۱۳۴۸، ج ۲.

۱۰- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الانوار*، چاپ دوم، بیروت: موسسه ی وفا، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۷ و ۶۸.

۱۱- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۲.

۱۲- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۲، ۱۳، ۲۰، ۲۴.